



اینجا چراغی روشن است!

بگذار صمیمانه از تو بپرسم، این سوال را که، راستی، «چرا معلم شده ای؟»

سرمقاله

به نام مهرآفرین مهرگستر

قاب فرهنگی‌ها سلام!

دوباره آمدیم با نسخه پاییز نشریه «قاب فرهنگ»

از اینکه دل‌گرمی و همراهی‌های خود را با نسخه تابستان قاب فرهنگ به ما ارزانی داشتید، سپاسگزاریم.

ترغیب و تشویق شما دل‌نوازان ما را بر آن داشت تا در این نشریه نوخیز و نوبنیان، گام‌های استواری برداشته و در راستای بهبود بیش از پیش قاب ماندگار فرهنگ کوشا و نافع باشیم.

شعف و شادمانی تیم قاب فرهنگ از انتشار نسخه نخست این فصلنامه که با استقبال کم‌نظیر و

چشم‌گیر دانشجویان همراه شد، در کلام نمی‌گنجد و نهایت سعی‌مان بر این خواهد بود تا با ایجاد بستری مناسب، دانش و بینش شما صاحب قلم و اندیشه را همراه این قاب کنیم.

در نسخه پاییز از هوشیاری معلم سخن به میان آوردیم و صفحه دیگری از آن را به زلف رفاقت‌مان با شهیدان گره زدیم. یک جای و کتاب هم نوبرانه‌ای از این فصل قاب فرهنگ بود که به میزبانی نگاه‌های پرمهرتان آوردیم. اساتید ارزشمندمان که همیشه مایه پشت‌گرمی و قوت قلب‌مان بوده‌اند در این نسخه هم، یار بودند. با دانشجوی کارآفرین و مبتکرمان به گفتگو نشستیم و در چند قدمی یلدا نیز شب شعری مجازی به پا کردیم و در آخر نیز از دانشجو و برای دانشجو نوشتیم.

نسخه پاییز نشریه قاب فرهنگ،

ارزانی نگاه بلندتان

معلم هوشیار

مشخص باشد تا تحقق و یا عدم تحقق هدف و اصل و اساس حرکتمان مشخص شود

این جمله از اردویی که اخیراً در آن بودم در ذهنم مانده است. در واقع در زندگی عادی وقتی می‌خواهیم مثلاً از خانه مان به دانشگاه برویم زمانی که از منزل خارج می‌شویم در واقع هدف رسیدن به دانشگاه در زمان مشخص می‌باشد و اینکه چقدر از مسیر را رفته ایم، چگونه می‌توانیم سریعتر از مسیرهای مختلف به دانشگاه برویم و یا مدت زمان مورد نیاز برای رسیدن به دانشگاه و غیره تنها با وجود مبدا و مقصد قابل تشخیص می‌باشد.

مبدا زندگی هر فرد می‌تواند متفاوت باشد، شاید مبدا برای فردی ابتدای آفرینش انسان، آغاز حکومت پیامبران و حتی هجرت پیامبر از مکه به مدینه، دوران امامت یکی از اهل بیت، اتفاق و یا رخداد خاص، انقلاب و عصرهای مختلف باشد.

با اینکه این متن را من می‌نویسم اما دیگر برای من نخواهد بود؛ دیگر از دسترس من خارج می‌شود و اسیردنیای تحلیل، انتقاد و فلسفه ای شما خوانندگان خواهد شد. ترجیح می‌دهم بگویم، هرچند شما برداشت‌های مختلفی از نوشته من داشته باشید اما یک روز به یک نقطه و دیدگاه مشترک خواهیم رسید که آن موقع حرف‌هایمان برای هم حکایت از یک حرف، درد، موفقیت و واقعیت خواهد داشت.

همیشه در هر جمعی که حاضر می‌شویم از تمام مطالبی که در آنجا گفته می‌شود، تنها یک یا دو جمله که خیلی برایمان جالب، تفکربرانگیز و یا حتی فان و ناراحت‌کننده باشد؛ همچون غنیمت جنگی در صندوقچه ذهنمان برای مدت زمانی طولانی یا کوتاه نگه می‌داریم.

«باید مبدا و مقصد راه و هدف ما به خوبی و به صراحت



قبیل اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و دانش آموزان و جامعه باشد و ضمن دارا بودن فضایل اخلاقی، جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی جامعه باشد. معلم می‌تواند بذر شعور معنوی و بحران اخلاقی را در جامعه بپاشد و برکات بیشتری به بار آورد.

اقتصاد: یک معلم باید بتواند دانش آموزانی را برای آینده ایران تربیت کند که با مهارت و تخصص پای در راه تقویت اقتصاد کشور بگذارند و زمینه‌های سلطه و نفوذ پذیری و وابستگی اقتصادی را ریشه کن کرده و خود نیز آگاه به مسائل اقتصادی در درون دولت باشد.

عدالت و مبارزه با فساد: یک معلم باید بتواند در زمینه برخورداری از مقبولیت اجتماعی در مجموعه کوچک خود به نام کلاس درس عدالت را بین دانش‌آموزان

کامل و درست از گذشته خود نداشته باشیم همواره سرگردان و در برابر تحریف و دروغ پردازی‌ها بدون انگیزه و منفعل نخواهیم ماند.

در ادامه سعی شده است تا توصیه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در این بیانیه را با کسوت معلمی آمیخته و نقشه راهی برای شما معلمان هوشیار طراحی شود.

علم و پژوهش: یک معلم برای حفظ عزت و قدرت کشور خویش نیازمند مجهز نمودن خویش به سلاح علم و پژوهش است و ضمن برخورداری از دانایی و توانایی باید بتواند وسیله تحقق و جوشش چشمه‌های دانش در خود و میان دانش‌آموزانش باشد.

معنویت و اخلاق: یک معلم باید به دنبال برجسته کردن ارزشهای معنوی از

اینبار در این بخش از نشریه می‌خواهم در رابطه با مبدا و مقصد یک معلم هوشیار با شما صحبت کنم و این را می‌توانم به صراحت و اطمینان خاطر بیان کنم که نقشه راه، مبدا و مقصد راه و کار ما به خوبی در بیانیه ای نوشته شده است و آن بیانیه چیزی جز بیانیه گام دوم انقلاب نمی‌باشد.

رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور این بیانیه به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌های اساسی به منظور جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ ارائه نموده‌اند. این بیانیه شناخت درست گذشته، درس گرفتن از تجربیات و غافل نشدن از راهبرد ها را نقطه عطف و گام اول هر شروعی بیان می‌کند و ما معلمان برای تعیین و مشخص شدن مبدا حرکت خود ناچاریم گذشته را به خوبی بشناسیم و تا زمانی که شناخت

رعایت کند و با ایمان خود از تشکیل فساد در مدرسه پیشگیری کند.

استقلال و آزادی: یک معلم باید بتواند کلمه «آزادی» را به صورت کامل برای دانش‌آموزانش تشریح کند. حق تصمیم‌گیری، عمل کردن و اندیشیدن را برای همه دانش‌آموزان به صورت یکسان فراهم کرده و در محیط کلاس به بیانات و نظرات دانش‌آموزان احترام بگذارد.

عزت ملی روابط خارجی و مرزبندی با دشمنان: یک معلم باید شناخت درست و کاملی از نهضت انقلاب اسلامی ایران داشته باشد تا بتواند عزت ملی را حفظ کند و دشمنان را به خوبی بشناسد و اسیر سیاست‌های غرب و قدرت‌های سیاسی آنان نشود.

سبک زندگی: یک معلم باید با هوشیاری کامل عناصر بیگانه از سبک زندگی غربی را شناسایی و مانع ترویج آنها در جامعه شود و سعی کند به طرق مختلف آن‌ها را به دانش‌آموز نیز منتقل کند و سبک زندگی اسلامی-ایرانی را در میان دانش‌آموزان ترویج کند.

رنجانه پوربخشی

دانشجوی کارآفرین

در دومین شمارهٔ قاب فرهنگ میزبان هنرمند دیگری هستیم؛ اسماء زمانیان عزیز که هم صحبتی با او برایم بسیار دلنشین بود. قاب فرهنگ همواره به رسالت خود دربارهٔ معرفی دانشجویان کارآفرین پایبند خواهد بود، اگر شما هم از دانشجویان کارآفرین پردیس فاطمه الزهرا تبریز هستید، از طریق راه‌های ارتباطی نشریه با ما در تماس باشید.

لطفا خودتان را معرفی کنید.

اسماء زمانیان هستم، رشته آموزش فیزیک ورودی ۹۷.

رشته‌ی مورد فعالیت شما چیست؟

بنده در زمینه‌ی طراحی ویترای، آینه کاری، نقطه کوبی، پرشنگ و مینا کاری روی انواع ظروف و همچنین طراحی تابلوی دیجیتال فعالیت می‌کنم. البته در گذشته، در زمینه‌ی بافندگی و قالی بافی هم فعالیت داشتم اما بعد از آشنایی با هنر زیبای ویترای، بیشتر در این حوزه متمرکز شدم.

از چه زمانی شروع کردید؟

تقریباً ۱۰ ماه پیش در اسفند ۱۳۹۹ که اولین اثرم، یک تابلوی ویترای بود که به مناسبت روز مادر طراحی کردم. حمایت‌های اطرافیان باعث شد به صورت تخصصی‌تر در این زمینه ورود کنم.

چه شد که به سمت این رشته تمایل پیدا کردید؟

انسان در طول روز برای فرار از اشتغالات و روزمرگی‌ها نیاز به عنصری دارد که انرژی تحلیل رفته را با آن بازیابی کند که هر فردی به اقتضای علایق و استعداد هایش دست به کاری می‌زند که برخی کتاب می‌خوانند، بعضی دیگر ورزش می‌کنند و عده‌ای دیگر موسیقی گوش می‌کنند یا می‌نوازند و... اما بعضی از انسان‌ها با خلق کردن چیزی که در ذهنشان هست به این آرامش می‌رسند. و من، هنر ویترای و خلق آثار رنگارنگ فانتزی را برای استراحت ذهنم انتخاب کردم تا حس آرامش را به روحم تزریق کنم. درحال حاضر روزانه ۱ ساعت و نیم در این زمینه زمان می‌گذارم تا بتوانم بهتر روی اهداف اصلی خودم متمرکز شوم.

حس شما نسبت به این کار چیست؟

همانطور که توضیح دادم خیلی نشاط بخش است آدم‌ها کارهایی که انجام می‌دهند برایشان تفریح باشد و لذت کافی را از انجامش ببرند و این ایده آل همه‌ی انسان‌هاست که کاری که به آن علاقه دارند با عشق انجام دهند و ویترای، دقیقاً این حس را به من می‌دهد.

مدت زمان یادگیری این رشته چه قدر بود؟

در کلاس ویترای که بنده شرکت کردم حدوداً دوماه طول کشید تا آشنایی پیدا کنم؛ اما طی مرور زمان تجارب و تکنیک‌های زیادی را حین انجام کار فرا گرفتم.

آیا از حمایت خانواده و افراد دیگری در این راه برخوردار بودید؟

بله الحمدلله خانواده ام خیلی کمک کردند و یکی از نقاط عطفم



بازدهی ذهنم هم بالا می رود. اما گاهی سفارشات زیاد و برنامه ام فشرده می شود و ممکن است کار زیاد و استراحت کمتر سبب شود بتوانم نسبت به مشتری هایم متعهد باشم و به موقع سفارش را تحویل مشتری بدهم.

هدفان برای آینده چیست؟

کشور ما از قدیم الایام در زمینه ی هنر معروف بوده است و ما هنرمندهای زیادی داشته ایم که در زمینه ی بین الملل، معرف حضور مردم کره زمین هستند و به نظر من هنر در خون تک تک ایرانی ها وجود دارد و همه ی ما در زمینه های مختلف به صورت بالقوه نگاه هنری داریم فقط کافی است که آن را کشف و تقویت کنیم. برنامه ی من هم این است در رشته هایی که فعالیت می کنم با خلق آثار جذاب هنری، مروج هنر و هنرمندانه زیستن باشم تا انسان های بیشتری به این هنرهای جذاب اقبال کنند. بسیاری از هنرمندان بزرگ دنیا، نام و آوازه شان با آثاری که از خود به یادگار گذاشته اند زنده مانده است. البته دقیق ترین، ظریف ترین، عجیب ترین و زیباترین هنرها آفرینش پروردگار است که اگر در تک تک ذرات پیرامونمان، بیشتر تامل کنیم متوجه می شویم که ما هیچ هستیم و هنرمند اصلی خداوند است.



شما عزیزان می توانید برای خرید و مشاهده کارهای گالری عالین، QR کد مقابل را در نسخه ی چاپی اسکن و در نسخه ی الکترونیکی لمس کنید.

الله صادقان

تشویق ها و حمایت و همکاری همسرم بوده. گاهی سرم شلوغ بود و نبودم و اینکه اجازه دادند از رنگ ها در قسمتی از خانه ی مان استفاده کنم و کار کنم و حمایت سایر دوستانی که در صفحه اینستاگرام با ابراز محبت و لطفشان باعث دلگرمی بیشتر بنده ی حقیر شدند.

از سختی های کارتان برایمان بگویید.

هرکاری سختی و اسانی خاص خودش را دارد. از سختی های این هنر زیبا، بوی رنگ های ویترا می باشد که حتما باید از ماسک و دستکش استفاده شود وگرنه آسیب های غیر قابل جبرانی روی سلامت جسمانی، مشکلات پوستی و تنفسی می گذارد و اینکه به دقت زیاد و خلاقیت، ذوق طراحی و ترکیب زیبایی شناسی لازم دارد تا یک اثر، جذاب و دوست داشتنی شود.

چگونه درس و کار را کنار یکدیگر مدیریت میکنید؟

برنامه ریزی و مدیریت زمان در این زمینه خیلی موثر بودند. دوره هایی که شرکت کردم و همچنین کتاب هایی که مطالعه کردم و در نهایت برنامه ریزی دقیق روزانه ام باعث شد در درس خواندن و سایر برنامه های زندگی ام اختلالی ایجاد نشود. اما از همه بیشتر مدیریت خواب و استراحتم بود.

قبلا هم عرض کردم کار های هنری من در زمینه ی درسی و معلمی هم کمک زیادی به من کرده است و از تفریحاتی است که آرامش و انرژی زیادی به من منتقل می کند. همچنین کیفیت مطالعات و

یلدای یک رنگ

پند گذشتگان می نشیند
بر در خانه دل
سرکسی محبت
سخنشان می شود یادآور
چه شب طولانی ست، این شب یلدا بر ما
خنده بر لب برآور
که ببیند این ماه
خندان،
تا انتهای این فصل یخبندان
برسید
همچو سرخ دانه های انار
در این میان، مردمک گشاد کرده و
ببینید
حسرت کودکان
و نگذرد ساده از آنها!
گر نتوانی کنی چله شان، رنگارنگ
بنما سفره خود را همچو
سفره شان
گرم و ساده
چو لبو های شیرین سر سفره



رقیه احمدی



فردی با واقعیت های متعالی و ارتباط متقابل با انسانیت، مفهوم سازی شده است. در سال های اخیر پژوهش های مختلف نیز، نقش معنویت و دینداری را در زندگی افراد بررسی کرده اند و بر تاثیر مثبت آن بر سلامتی، احساس خوب داشتن، بهبودی، احساس تنهایی کمتری در طول زندگی افراد صحه گذاشته اند.

در این میان مطالعات نشان می دهد، بهزیستی روانشناختی با ابعاد مختلف معنویت و دینداری مانند، جهت گیری مذهبی، هویت مذهبی و فعالیت مذهبی، اعتقاد به دین (گراهام و کرون، ۲۰۱۴) رابطه مثبت و معناداری دارد. عمل به باورهای مذهبی آثار مطلوب گوناگونی دارد از آن جمله می توان به افزایش شادکامی و کاهش اختلال در کارکرد اجتماعی اشاره نمود که هر یک به طریقی بهزیستی روانشناختی افراد را ارتقاء می دهند. پژوهش ها نشان داده اند افراد دارای اعتقادات دینی از سلامت روان بیشتری نیز برخوردارند. در این راستا، می توان نماز را به عنوان تأثیرگذارترین و از مهم ترین فرایض دینی، از ضروریات دین

به ذهن متبادر می کند. این گروه معتقدند که سلامت یک مفهوم چند بعدی است که علاوه بر بیماری ناتوان نبودن؛ احساس شادکامی و بهزیستی را نیز در بر می گیرد (لارسون، ۱۹۹۱). در طی دهه های گذشته، (ریف ۱۹۸۹) الگویی را ارائه نمود که بر اساس این الگو، بهزیستی روانشناختی از شش عامل تشکیل می شود: پذیرش خود (داشتن نگرش مثبت به خود)، رابطه مثبت با دیگران (برقراری روابط گرم و صمیمی با دیگران و توانایی همدلی)، خود مختاری (احساس استقلال و توانایی ایستادگی در مقابل فشارهای اجتماعی)، زندگی هدفمند (داشتن هدف در زندگی و معنا دادن به آن)، رشد شخصی (احساس رشد مستمر) و تسلط بر محیط (توانایی فرد در مدیریت محیط) (ریف و کیز، ۱۹۹۵).

سازمان بهداشت جهانی در تعریف ابعاد وجودی انسان، به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می کند و بعد چهارم، یعنی بعد معنوی را نیز در تحول و تکامل انسان مطرح می سازد. معنویت به عنوان جستجوی معنی در زندگی، ارتباط

در طول قرن گذشته، روان شناسان و پژوهشگران سلامت روان، از رویکرد آسیب شناختی در مطالعات خود استفاده می کردند و پژوهش های خود را بر شرایط ناکامی یا غم و اندوه مانند اضطراب و افسردگی متمرکز کرده بودند؛ بنابراین از جنبه های مثبت توانایی های بالقوه انسانی غافل بودند. حرکت از سمت شرایط مرضی به جنبه های مثبت، در قالب جنبش روان شناسی مثبت نگر آغاز گردید. به تدریج در سال های اخیر برخی روان شناسان به تعاریف عوامل همبسته و پیش بینی کننده ی پیامدهای مثبت وجود انسان مانند شادی، امید و بهزیستی پرداخته اند. پژوهشگران حوزه سلامت روانی، با الهام از روانشناسی مثبت نگر، رویکرد متفاوتی را برای تبیین و مطالعه این مفهوم برگزیده اند. آنان سلامت روانی را معادل کارکرد مثبت روانشناختی، تلقی نموده و آن را در قالب اصطلاح «بهزیستی روانشناختی» مفهوم سازی کرده اند و به جای اصطلاح سلامت روانی از بهزیستی استفاده کرده اند، زیرا معتقدند این واژه بیشتر ابعاد مثبت را

واسطه بهبود سبک زندگی افراد و اعتماد آنها به وجود خداوند به عنوان یک قدرت لایزال و منبع حمایت کننده در شرایط دشوار، موجب احساس انسجام وجودی و امیدواری در افراد می شود و تاب آوری آنها را در برابر مشکلات بالا می برد و موجب ایجاد احساس آرامش و ارتقای سازگاری آنها می شود. به عبارت دیگر، فرد از راه ارتباط با هسته و یا منبع قداست، به آرامش و سلامت روان می رسد و از این طریق می تواند به مزایای روان شناختی بسیاری مانند کاهش ناامیدی، افسردگی، اضطراب، کسب حمایت اجتماعی و افزایش رضایت از زندگی برای افراد دست یابد که همه این موارد در یک عبارت، به معنی افزایش بهزیستی روان شناختی است.

می برند و با پایبندی به نماز از رفتارهای خطرناک برای سلامتی خود می کاهند و به نوعی به بهزیستی روانشناختی خود کمک می کنند (فلتچر و کامر، ۲۰۱۴)

در مجموع می توان گفت که جنبه های خاص اعتقاد و عمل دینی، مذهب و اعمال مذهبی یعنی اعتقادات و رفتارهایی مانند توکل به خدا، زیارت، دعا، نماز، روزه و مانند این ها می تواند از طریق ایجاد امید، تشویق به نگرش های مثبت موجب آرامش و بهزیستی جسمی و روانی افراد می شود. در این بین وقوف خاشعانه وخاضعانه انسان در نماز، در برابر خداوند متعال در او انرژی و نیرویی معنوی تولید کرده و باعث صفای روحی، آرامش قلبی و امنیت روانی می گردد. یعنی نماز که در واقع برگرفته از الگوی زندگی بزرگان دینی است، به

اسلام، نقطه اوج عبادات، عمود دین و مرز بین کفر و ایمان و به عنوان نخستین عبادتی که بلافاصله پس از بعثت رسول اکرم (ص) تشریح شد، نام برد (شهریاری پور، امین بیدختی، مرادی، ۱۳۹۲). نماز در کنار سایر متغیرهای دینداری و فعالیت های مذهبی به عنوان پیش بینی کننده ای قوی برای بهزیستی روانشناختی و احساس ذهنی بهزیستی است. مک کالوگ معتقد است که اثرات نماز بر سلامت انسان از طریق مسیرهای فیزیولوژیکی، روانشناختی و معنوی تسهیل می شود، بر این اساس نماز آرام سازی را تسهیل کرده، به خلق بهتر، سلامت ذهنی و احساس آرامش بیشتر منجر می گردد (دنی، ۲۰۱۱). پژوهش ها نشان داده اند افرادی که نماز می خوانند، کمتر از افسردگی و اضطراب رنج

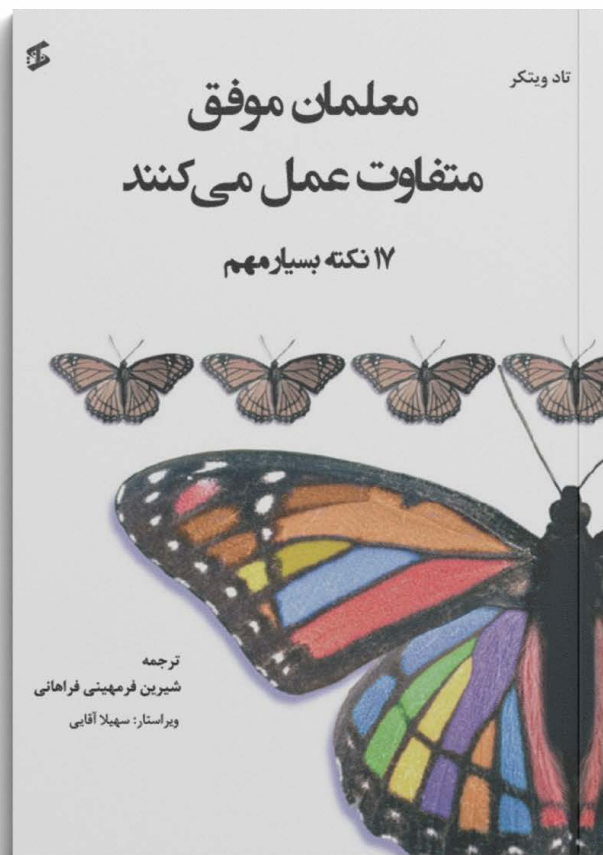
دکتر علی اقبالی

چای و کتاب

کتاب «معلمان موفق، متفاوت عمل می کنند» به بررسی اعتقادات، دیدگاه ها و رفتارهای موفق ترین معلم ها و تفاوت آن ها با رفتار سایر معلم ها می پردازد و شامل ۱۷ اصل بسیار با اهمیت و کاربردی است که به راحتی می توانید این اصول را در کلاس درستان پیاده سازی کنید. در کتاب «معلمان موفق متفاوت عمل می کنند»، مرواریدهایی از خرد، توصیه های صمیمانه و الهام بخش یکی از مقامات برجسته کشور در مورد انگیزه کارکنان، رهبر معلمان و اثربخش را پیدا خواهید کرد.

«تاد ویتاکر» با شوخ طبعی و ژرف نگری، اعتقادات، رفتارها، نگرش ها و تعامل معلمان بزرگ را در «معلمان موفق متفاوت عمل می کنند» توصیف می کند و توضیح می دهد که چگونه کارهایی که آنها انجام می دهند متفاوت است. هدف از کتاب «معلمان موفق چه کارهایی را متفاوت انجام می دهند» این نیست که مجموعه کمی از دستورالعمل ها را تجویز نماید. در عوض، در پی آن است که چشم انداز مدرسه را از دید معلمان برتر به نمایش بگذارد. آن ها هنگامی که کلاس های درس و دانش آموزان خود را می بینند، واقعاً چه مشاهده می کنند؟ کانون توجه آن ها کجاست؟ چطور وقت و انرژی خود را صرف می کنند؟ چه عواملی به تصمیمات آن ها جهت می دهد؟ ما چطور می توانیم به برتری های مشابه با آنان دست یابیم؟

پاسخ واحدی برای این سوال وجود ندارد؛ اگر وجود داشت قطعاً همه ما در حال حاضر، آن را به کار می بستیم. آموزش و پرورش، امر بسیار پیچیده ای است همچنان که تدریس در کلاس های درس نیز امر پیچیده ای است اما، ما می توانیم در جهت کشف کارهایی که برترین معلمان انجام می دهند قدم برداریم.



برای خرید کتاب «معلمان موفق متفاوت عمل می کنند» از انتشارات وانیما می توانید؛ QR کد مقابل را در نسخه چاپی اسکن و در نسخه الکترونیکی لمس کنید.



می‌توانیم به این نگرش دست یابیم که به عنوان یک معلم، تا چه حد می‌توانیم اثربخش و موثر باشیم. بیشتر از همه می‌توانیم مهارت‌های خودمان را بهبود دهیم. همه ما با برترین معلمان هم‌عقیده هستیم که: «مهم نیست اکنون در چه شرایطی هستیم و تا چه اندازه، خوب هستیم بلکه آنچه مهم است این است که

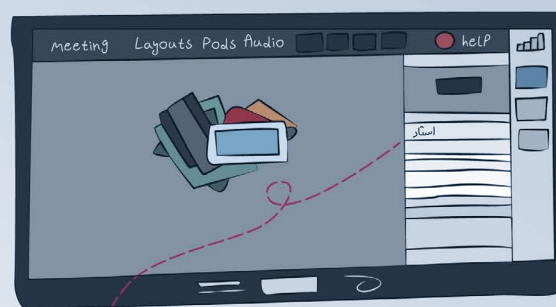
همواره می‌خواهیم بهتر از این باشیم.» در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «این افراد هستند که کیفیت یک مدرسه را تعیین می‌کنند، نه برنامه‌های آن.» و در بخش دیگری از آن آمده است: که «معلمان بزرگ، انتظارات بالایی از دانش‌آموزان خود دارند، اما انتظارات بالاتری نیز از خود دارند.»

انیس درگاهی

روز دانشجو (?)

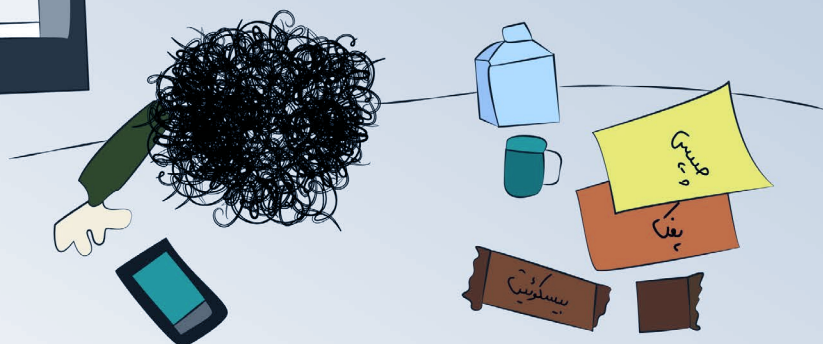
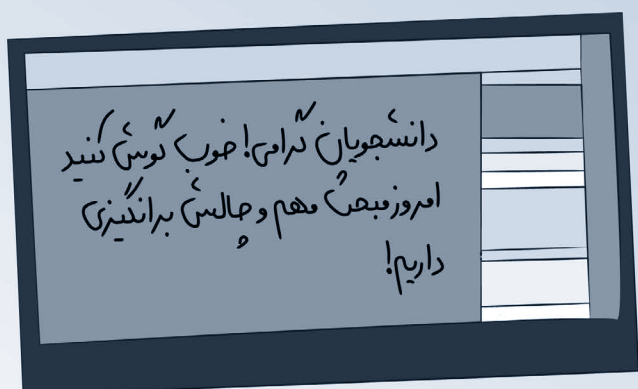
دانشجو جان سلام! روزت مبارک! ما تو قاب فرهنگ تصمیم گرفتیم کمی متفاوت‌تر این روز رو بهت تبریک بگیم. اگه می‌خوای بدونی که چطور می‌تونی به کم فعالیت‌ترین (البته با احترام تنبل‌ترین) دانشجوی نمونه‌ی سال تبدیل بشی، این مراحل رو دنبال کن!

۱. یارت باش! میکروفون همیشه همراه و نت هم همیشه ضعیف!

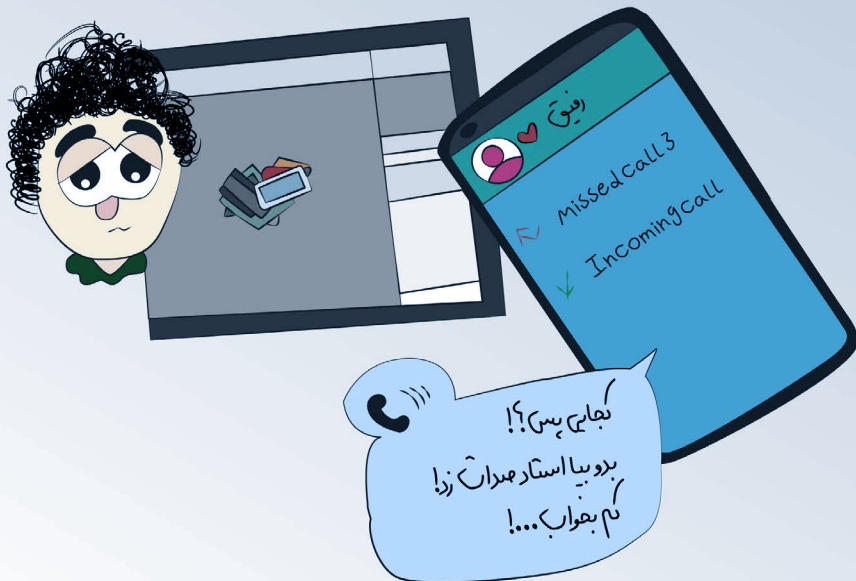


دانشجویی که لطفاً این مسئله رو توضیح بدین!

۲. همیشه در طول کلاس به خودت برسی! تفریحات هم فراموشی نکن!



۳. راستن به رفیق با معرفت جهت رفوزه نشدن!



۴. سامان را متهم نمایند!



طوبا مهدی پور

محدثه محمدی

هم کلاسی

هم کلاسی این شماره در مورد شهید عباس فرهادی است. ایشان در سال ۱۳۴۳ در روستای قره تپه متولد شدند و در بیست و سوم خرداد ماه سال ۱۳۶۵ در منطقه‌ی هورالعظیم به درجه‌ی رفیع شهادت نائل شدند.

حیاتی خود مجبور بود روی زمین های ارباب کشت کند و تمامی زحمات حاصل کشت و کار و درو و ... را برای این آذوقه قبول کند و از این همه زحمت پدر و مادر و سایر افراد خانواده یک چهارم بهره ببرد. بلی در چنین وضعی بود

ایشان در سال ۱۳۴۳ در خانواده ای مستضعف و کشاورز در عین حال با فرهنگ و مذهبی در روستای قره تپه محله بالا به دنیا آمد. خانواده ای که در روزگار ستم شاهی و خان خانی و ارباب رعیتی برای بدست آوردن فقط گندم یعنی آذوقه



تو هستی که به من جان دادی و حالا هم می‌خواهی بگیری. ای خدا تو خود شاهد باش و ای زمانه تو نیز گواه باش و تو ای تاریخ در دفتر ثبت کن که من با آگاهی و عزمی راسخ برای حفاظت از قرآنم و دفاع از میهن اسلامیم و دفاع از آبرو و شرفم به جبهه حق علیه باطل عازم شدم تا با صدامیان کافر بجنگم.

دکتر خاطره اسماعیل زاده

که عباس قدم به دنیای خاکی نهاده و با زحمت و غم و اندوه روزگار دوران طفولیت خود رامی گذراند.

در بخشی از وصیت نامه ایشان می‌خوانیم: ای خدایی که مرا از یک ذره خاک آفریدی و مرا بصورت انسان کامل درآوردی معبودم تویی و معشوقم تویی و تو هرکجا باشی من به سوی تو روی می آورم. تو بودی که قلب مرا پاک کردی و از ظلمت به نور کشاندی.

اینجا چراغی روشن است!

با استاد عین صاد - شماره یک:

برادر و خواهر معلم! در حالی که فرصت ها چون ابر می گریزند و زمان، همچون کودکان پابرهنگه در کوچه های شهر می دود و ما در کار تماشای "خسران خویش"، در معامله ای که هر ثانیه، "هستی" را با "نیستی" مبادله می کنیم، آیا لحظه ای اندیشیده ای؟ و با طرح چند سوال از خویش، ابرهای بارور در گذر زمان را به باریدن و سیراب کردن، واداشته ای تا در بارش زلال آن به "رویش" و فلاح برسی؟...

بگذار صمیمانه از تو بپرسم، این سوال را که، راستی، «چرا معلم شده ای؟»

معمولا سوال می شود که در کلاس چگونه باید بود؟ در حالی که سوال مهم تر این است که اساسا چرا باید معلم بود؟

ما تا نقش انسان در هستی را درک نکرده باشیم، نقش معلم در کلاس را نخواهیم فهمید. تا چرا بودن انسان پاسخ نگیرد، چگونه بودن جواب نخواهد گرفت.

برای تحمل بار سنگین معلمی، زمینه هایی لازم است. این زمینه ها از تفکر شروع می شود، تفکر در انسان و جهان و نقش او در جهان. دین با تفکر آغاز می شود. این تفکر، استعداد های عظیم انسان را نمایان می کند، مشخص می کند انسان چقدر سرمایه دارد و در این دنیا چه باید بکند و چطور حرکت کند. من در تفکر خودم محکومیت را می یابم و حاکم را. این است که به او علاقه مند می شوم، عشق او در وجود من شعله می کشد و به او که غنی است و همه چیز را از او دارم، وابسته می شوم و عشق او مرا به طرف هر کاری می تواند بکشد.

وقتی که عشق های کوچکتر، معشوق های محدود تو را به کارهای بزرگی کشیدند و بیستون ها به پا کردند، چطور می شود عشق او، کارهای بزرگتری به وجود نیابد و بارهای سنگین تری را تحمل نکنند؟

پس کار من لذت نیست، من برای این که به لذت و رفاه برسم به این همه استعداد نیاز نداشتم و با غرایز فردی و اجتماعی می توانستم همه این ها را به دست بیاورم.

گاه به آنچه داریم قانع ایم و خیال می کنیم همان نهایت و غایتی است که می توانیم تامین کنیم. آدمی که به این حد قانع باشد، طبیعی است که حرکت نکند و در رکودش بگنجد. کفر متحرک به اسلام می رسد ولی اسلام راکد، پدربزرگ کفر



است.

سلمان ها در حالی که کافر بودند، حرکتشان آن ها را به رسول منتهی کرد و زیباییها در حالی که با رسول بودند، رکودشان آن ها را به کفر پیوند زد.

کار من حرکت است. وقتی کار من حرکت باشد، دنیا می شود

راه من.

شروع حرکت که ضرورت حرکت نیز از آن مایه می گیرد، از لحظه ای است که تو می فهمی از همه چیزهایی که با آن ها مانوس هستی، بزرگتری، چون ارزش تو بیش از چیزی است که می خواهی به آن برسی!

برگرفته از کتابهای دکتر علی صفائی حائری (عین صاد): کتاب تربیت کودک، کتاب حرکت، کتاب درآمدی بر علم اصول و کتاب نامه های بلوغ

فریبا رستمی

عنوانی اجتماعی

۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ روزی هست که سه دانشجوی جوان در اعتراض به حضور نیکسون و از سرگیری روابط ایران با بریتانیا، در دانشگاه تهران گلوله باران شدند. در آن زمان طبقه ی حاکم به خوبی توانست این روز تاریخی را چنان از روح مبارزه پاک کند که تنها کالبدی بیمایه و نمادین برای تکریم دانشجو باقی بماند. دانشجو یک عنوان اجتماعی است و باید در این روز از تمام جویندگان راه دانش به صرف دانشجو بودنشان تکریم شود. گویا سه فردی که توسط نیروهای سرکوبگر سلطنت پهلوی به قتل رسیدند، تنها به صرف دانشجو بودنشان دست به اعتراض زدند و لابد اگر به دانشگاه نیامده و یا از آن فارغ شده بودند، مبارزه و آگاهی برای آنان تمام شده بود.

این روز یادآور دانشجویانی هست که با آگاهی و روحیه ی استکبار ستیزشان و با حس مسئولیتی که در اجتماع برای دفاع از حق در برابر ناعدالتی ها داشتند، جنگیدند و الگویی ناب و تام برای همه ی دانشجویان گشتند. روز دانشجو، روز مبارزه با استبداد است، چه به روایت تاریخ و چه به درک شخصی از این روز. روزی نمادین که به یاد سه دانشجویی که در راه مبارزه با تکصدایی طبقه ی حاکم کشته شدند، نام گذاری شده است. روزی که در آن آگاهی و شجاعت دانشجویان گرامی داشته میشود و ما در این روز به دانشجو بودنمان و بزرگداشت دانشجویان شجاع و مبارز راه حق فخر می ورزیم.



طوبا مهدی پور

نشریه فرهنگی، اجتماعی و هنری قَاب فرهنگ از تمامی دانشجویان فعال و علاقه مند در سراسر کشور دعوت به همکاری می کند. برای ارتباط با ما کافی است QR کدهای زیر را در نسخه چاپی اسکن و در نسخه الکترونیکی لمس کنید.



دبیر اجتماعی: ریحانه پور بخشی
دبیر هنری: دریا مهدی پور
دبیر علمی: سمیه قلی زاده
دبیر اجرایی: رقیه احمدی
هیئت تحریریه: سمانه سخندان، ریحانه پور بخشی، الهه صادقیان، رقیه احمدی، علی اقبالی، انیس درگاهی، طوبا مهدی پور، خاطره اسماعیل زاده، فریبا رستمی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: امور فرهنگی پردیس فاطمه الزهرا ی تبریز
سر دبیر: سمانه سخندان
صفحه آرا و مجری دیجیتال: فاطمه مؤید
کاریکاتورست: محدثه محمدی
ویراستار: مریم آتش سفیدی
روابط عمومی: ندا عجملوپور
دبیر فرهنگی: الهه صادقیان